



بررسی اثرات فرصت‌های نابرابر در بین اقوام ایران

هادی اعظمی^۱ و سمانه آئین دوست^۲

چکیده

برابری و برابر خواهی دلمشغولی اکثر جوامع و دولت‌ها (اسلامی، سوسیالیستی، سوسیال دموکراسی و...) می‌باشد و هر کدام در راستای تحقق نوعی برابری، برخی از منابع و انرژی خود را سرمایه‌گذاری کرده تا به ساماندهی اجتماعی سازگار با آن برسند. در واقع برابر خواهی فصل مشترک کلیه مکاتب با رویکرد اخلاقی می‌باشد. برابری فرصت تلاشی است حسابگرانه در راستای تبیین نحوه جبران نابرابری‌ها و محرومیت‌هایی که به واسطه شرایط خارج از کنترل افراد گریبانگیر آنها شده است. کشور ایران از نظر قومی و زبانی از جمله کشورهای ناهمگن می‌باشد. در ایران معاصر، دولت مدرن انحصار طلب که توسط رضا شاه پهلوی ایجاد شد سرآغاز پیدایش بحران‌های قومی است و سعی در از میان برداشتن تفاوت‌های قومی و ایجاد یک ملتی یک پارچه داشت. مجموعه اقدامات وی سبب به قدرت رسیدن قوم فارس به عنوان یکه تاز و عقب رانده شدن بقیه اقوام در حواشی شد که موجب توزیع نابرابر فرصت‌ها و منابع تا به امروز می‌باشد. برخی ایران را همچون امپراطوری می‌دانند که از چندین ملیت ایجاد شده اما تحت سلطه فارس‌ها می‌باشد. سهم دیگر اقوام از فرصت‌ها و امکانات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... نسبت به قوم مسلط یک تبعیض و شکاف عمیق و آشکار را به نمایش می‌گذارد. عدم امکان مشارکت‌های سیاسی به دلایل تبعیض قومی و نژادی در سطح امور سیاسی و به تبع آن در امور اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی زمینه‌ساز نارضایتی‌های بسیاری شده است که از سال‌ها قبل شروع شده است. با توجه به اهمیت وجود این نابرابری در فرصت‌ها در میان اقوام ایرانی که خود می‌تواند عاملی برای بروز بحران‌ها در آینده به شمار بیاید. در تحقیق حاضر برآنیم با روش‌های توصیفی - تحلیلی به بررسی اثرات این فرصت‌های نابرابر بپردازیم.

واژگان مهم: ایران، فرصت‌های نابرابر، اقوام، چالش

^۱ استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد aazami@um.ac.ir

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد aeendost@gmail.com